

## گردشگری دینی: ماهیت و کارکرد

الله کرم کرمی پور\*

### چکیده

این مقاله مروری به موضوع گردشگری دینی است. این موضوع ابتدا به لحاظ مفهومی و معنایی بررسی شده و سپس کارکرد و نقش آن در سه سطح «واقعیت اجتماعی»، «فرهنگی» و «معنوی» تحلیل شده است. در این سطوح سه گانه، گردشگری دینی یک برساخت اجتماعی و بسان یک نیاز فرهنگی و معنوی در انسجام و همگرایی انسانی مورد تأکید قرار گرفته و سپس در یک چارچوب مفهومی سه گانه «خداخواهی، دگرخواهی و خودیابی» در نگرش اسلامی تبیین و دسته بندی شده است.

واژگان کلیدی: گردشگری دینی، زیارت، واقعیت اجتماعی، امر قدسی

## مقدمه

شواهد نشان می‌دهد که در گذشته‌های بسیار دور انسان‌ها به قصد زیارت و احترام انسان‌های شریف، اماکن، نمادها و فضاهای مقدس به سرزمین یا شهرهای دیگری مسافرت می‌کردند و در این راه در کنار پرداخت هزینه‌های مادی و غیرمادی، با «دیگران مهم» مواجه می‌شدند و از گذر «آشنایی» و «تعامل» و رابطه میزبان-میهمان و نیز داد و ستد، طرز نگرش‌ها و جهان‌بینی‌ها و طرز تلقی‌ها و حتی سبک زندگی پرداخته‌اند. از این‌رو، گردشگری دینی<sup>۱</sup> و مفاهیم وابسته به آن، از جمله «زیارت»<sup>۲</sup> و «زائر»<sup>۳</sup> هرچند اموری چندان جدید نیستند، اما با پیچیده‌تر شدن مناسبات اجتماعی و صنعتی شدن آنها و نیز آسان شدن ارتباطات و مناسبات انسانی از گذر تکنولوژی‌های جدید، تغییرات، کارکردها و نقش‌های جدیدتری را از سر گذرانده و می‌گذرانند. شاید از این نگاه است که انسان‌شناسان دین می‌گویند: «مکان‌های مقدس به‌طور چشمگیری پایدار باقی مانده‌اند، در حالی که نحوه استفاده از آن تغییر می‌کند» (بوی،<sup>۴</sup> ۱۳۹۲، ص ۳۳۱).

به‌طور کلی «صنعت گردشگری» در جوامع امروز متأثر از لایه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نیز تجربه‌های روحانی و روان‌شناختی فرد است که در ساختار خود دارای ابعاد مادی و معنوی است و هر کدام می‌تواند دیگری را تحت تأثیر قرار دهد. گردشگری همیشه فعالیت اقتصادی و تجاری محض نیست، بلکه بیان ایدئولوژیک تاریخ، طبیعت، جامعه و سنت است. امروزه بسیاری از کنشگران در قالب زیارت و سیاحت (گردشگری دینی) با دیگرانی مواجه می‌شوند که می‌تواند روی دستگاه ادراکی و شناختی و موقعیتی او تأثیر گذارده، نگاه او را از خود و محیط دگرگون کند. تعامل میان خانه، سفر، زیارتگاه و شهر و همین‌طور، ارزش ویژه مذهبی و فرهنگی‌ای که زائران بدان معتقدند و نیز اثرات وسیع‌تر اقتصادی و اجتماعی که زیارت بر جامعه مبدأ و مقصد و برجای می‌گذارد، در عمل و شناخت کنشگران تأثیرگذار است. آلن مورینس<sup>۵</sup> زیارت را در کتاب خود به نام سفرهای مقدس<sup>۶</sup> به معنای «تلاقی مسافرت و تجسم یک آرمان» تعریف می‌کند و از این دیدگاه می‌توان گفت میان «گردشگری» و «زیارت» و مکان‌های مقدس و زائر و نیز ابعاد معنوی و هویت فرهنگی پیوند نزدیکی وجود دارد. تحولات ناشی از صنعتی شدن، «اوقات فراغت» و دریافت جدید از «آرامش» و «امید» و معنویت را در کانون توجهات بشر قرار داده است. گردشگری به منظور استفاده معنوی از اماکن مقدس و زیارتی و آشنایی با «دیگران مهم» به یک نیاز عمومی تبدیل شده است و توریست-زائر فارغ از تنش‌های اجتماعی و

1. religious tourism  
3. Pilgrim  
5. Plen Morines

2. pilgrimage  
4. Fiona Bowie  
6. sacred journeys

سیاسی، برای بازیابی روحی و روانی از فضای معماری رواق‌ها، ایوان‌ها، حرم‌ها و بقاع متبرکه، گلدسته‌ها و معابد و طاق بستان‌های به میراث رسیده از سنت‌های گذشته به موضوعی جدی تبدیل شده است. این نوشته می‌کوشد موضوع گردشگری دینی را در دو سطح ماهیت و کارکرد در ساخت کنش‌های اجتماعی، فرهنگی و معنوی مثابه عنصری انسجام‌بخش، التیام‌بخش و نیز هویت‌بخش بررسی و تحلیل کند.

### طرح مسئله

اگرچه مسافرت و گردش در جهان کنونی به لحاظ مالی «پرهزینه‌تر» شده است، اما به جهت تسهیل و تکثیر ارتباطات و توسعه صنعت حمل و نقل، بیش از پیش «آسان شدن‌تر» شده است، شاید بدین جهت است که گردشگری را «صنعت هزاره سوم» نامیده‌اند. گردشگری دینی یکی از نمودهای عینی صنعت گردشگری است که در قالب‌های دینی و فرهنگی رو به افزایش است. امروزه زیارت که نمود عینی گردشگری دینی است، امری حاشیه‌ای و ثانویه در زندگی مدرن نیست. از دیدگاه سازمان جهانی جهانگردی (WTO) مذهب و زیارت اماکن مقدس در هر جامعه‌ای به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های سفر در عصر حاضر برای گردشگران شناخته شده است. زیارت این قدرت را دارد که تعداد عظیمی از مردم را در دنیا به حرکت در آورد، اقتصاد کشورها و مناطق مختلف را دگرگون سازد و پیام‌های سیاسی و فرهنگی و ژئوپولوتیک را در سطح بین‌المللی منتشر سازد.

پدیده حج یکی از شناخته شده‌ترین زیارت‌ها در جهان اسلام است که هر سال بیش از دو میلیون زائر را به خود جذب می‌کند. در اربعین (ماه صفر سال جاری) بیش از بیست میلیون زائر از سراسر جهان به‌صورت پیاده به زیارت بارگاه امام حسین (علیه السلام) رفتند. رُم به‌عنوان مرکز جهان کاتولیک، میلیون‌ها بازدیدکننده را در هزاره جدید به خود جلب کرد. سال ۱۹۵۸ در یکصدمین سالگرد ظهور مریم مقدس، بیش از پنج میلیون زائر از لوردز<sup>۱</sup> دیدن کردند. هر دوازده سال یک بار، مراسم زیارتی «کومبها ملا»<sup>۲</sup> در هندوستان، در نقطه تلاقی رود مقدس در الله آباد، برگزار می‌شود و بیش از ده میلیون زائر در آن شرکت می‌کنند (بوی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵).

وقتی گردشگران-زائران به فرهنگ مقصد جدید وارد می‌شوند، در این صورت گردشگری به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی نقش مهمی در تغییر و تحول فرهنگی ایجاد می‌کند و بدین ترتیب در زمینه‌های تعامل و همگرایی و هویت فرهنگی از جمله رفتار، مسکن، پوشاک و حتی جنبه‌های

1. Lourdes

2. Kumbha Mela

فردی و روان‌شناختی تحولاتی را ایجاد می‌کند. میان تعاملات میهمان و میزبان، ارزش‌ها و الگوهای متفاوتی مبادله می‌شوند و مسئله تماس و مواجهه طرفین تأثیرات فرهنگی و نیز تفاوت‌های رفتاری و شناختی میان گردشگران و بومیان تأثیرات و بازخوردهای متفاوتی را ایجاد می‌کند و در طولانی‌مدت روی رفتار، شخصیت، هویت، زبان و حتی جنبه‌های ظاهری اثر می‌گذارد.

در جامعه امروز ایران پتانسیل زیارت و اماکن مقدس نوعی «اعتماد به نفس فرهنگی» و دینی را به جامعه اعطا می‌کند. این مسئله از طریق عامل هویت‌بخش فرهنگی و توسعه همه‌جانبه زمینه‌های مناسبات فرهنگی را سبب می‌شود. بر این اساس، گردشگری دینی از شاخص‌های فرهنگی است و در سطحی وسیع‌تر، هدف گردشگری فرهنگی در قالب مشاهده جلوه‌های فرهنگی شهر مقصد مانند رفتارها، نمادها، مناسک، کالبدها و فضاها، نمایشگاه‌ها، مسابقات، موسیقی و... را بر ذهن و زبان و شناخت گردشگر گسترش می‌دهد (کاظمی، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

### چرا بحث از گردشگری دینی؟

مسافرت به قصد کشف جهان و زیارت مکان‌های مقدس و نیز تجارت و بازرگانی انجام می‌شود. گردشگری در شکل دینی آن، به دلیل زیرساخت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در رفتار و عمل انسان برای ارضای روح کنجکاو او خواهد بود. اگر از خاستگاه اولیه سیر و سفر سخن بگوییم، باید رسولان ادیان توحیدی و آموزه‌های آنان که به سیر و سیاحت و گردش در جهان تأکید کرده‌اند را یادآوری کنیم. در بسیاری از سوره‌های قرآن کریم به این موضوع اشاره شده است. در دین اسلام سیاحت و «سیر آفاق»، در کنار «سیر انفس» مورد توجه قرار گرفته است، بدین جهت که این موضوع در ارتقا و کمال نفس انسانی تأثیر فراوانی دارد. در قرآن کریم و روایات اسلامی به گردش و سیر در آفاق با عنوان «سیرُوا فِي الْأَرْضِ» یا «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» تأکید شده است. در قرآن کریم آمده است: «میان آنان و میان آبادانی‌هایی که در آنها برکت نهاده بودیم شهرهای متصل به هم قرار داده بودیم و در میان آنها مسافت را با اندازه مقرر داشته بودیم در این (راه)‌ها شبان و روزان آسوده خاطر بگردید»<sup>۱</sup> (سبأ، ۱۸). خداوند در قرآن کریم دستور داده است که مسلمانان در روی زمین به گردش بپردازند تا عاقبت گذشتگان را ببینند و عبرت بگیرند. توصیه‌های قرآن در این باره مبتنی بر این حقیقت است که ارتباط انسان‌ها از طریق «باز شدن افق‌های تازه» و «مواجهه شدن» با انسان‌ها و سرزمین‌های دیگر از طریق سیر و گردش است. قرآن کسانی را که از این کار غفلت کرده‌اند، نکوهش می‌کند که: «آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا

۱. وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ آيَاتًا آمِنِينَ.

دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند در حقیقت چشم‌ها کور نیست، لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است»<sup>۱</sup> (حج، ۴۶). و نیز در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «آیا در زمین نگردیده‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است، آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه آنها آبادش کردند آن را آباد ساختند و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند بنابراین، خدا بر آن نبود که بر ایشان ستم کند، لیکن خودشان بر خود ستم می‌کردند»<sup>۲</sup> (روم، ۹). قرآن کریم در آیات شانزده‌گانه سوره‌ کهف، از شخصی سخن می‌گوید که سفرهای گوناگونی به اطراف و اکناف جهان کرده و با جهان‌پیمایی به سوی شرق و غرب شتافته و آثاری از خود به یادگار گذاشته است.

اکنون که امکان ابلاغ پیام‌های ادیان توحیدی از راه جهانگردی و آمد و شدهای مذهبی فراهم شده است، باید بیش از پیش به آن توجه نمود و در گسترش آن در ابعاد معرفتی، فرهنگی و اجتماعی تلاش کرد. بررسی این پدیده البته گاهی متناقض نما یا بسیار پیچیده‌تر از آن است که در ابتدا به نظر می‌رسد. ضرورت انجام آن را باید در اهمیت موضوع و ارتباط نزدیک با مؤلفه‌ها و آموزه‌های ادیان بزرگ توحیدی به‌ویژه اسلام جستجو کرد. اگر ابعاد و زوایای این مهم به درستی طرح و تحلیل شود، بشر امروز با دانش و آگاهی از مسائل جهان، روز به روز به گردشگری دینی توجه بیشتری پیدا خواهد کرد و زمینه‌های تبادل، همکاری و گفتگو بیش از پیش فراهم شود. آن‌چنان‌که مواجهه نمادها، آیین‌ها و نشانه‌های ادیان را در متن فرهنگ و رفتار و آداب و مناسک به‌خوبی می‌توان دید. اکنون این موضوع را در دو سطح حقیقت و ماهیت گردشگری دین و دوم کارکرد و نقشی که در ساخت روابط فرهنگی و درونی یک کشور ایجاد می‌کند، پی می‌گیریم و در ذیل آن بدین پرسش‌های فرعی می‌پردازیم که گردشگری دینی چه ارزش ماهوی، معنوی-عبادی و معرفتی و فرهنگی-اجتماعی دارد؟

### ایضاح مفهومی گردشگری دینی

گردشگری دینی، در قالب زیارت، را شاید بتوان یکی از شعائر و مناسک مهم دینی در نظر گرفت که در اجتماعات مختلف دینی براساس آداب معینی انجام می‌شود و اهمیت آن نیز برحسب معنای درون‌دینی آن تعیین می‌شود. واژه جهانگردی و جهانگرد در واقع بیان فارسی شده سیاحت و سیاح

۱. أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارَ وَ لَكِنَّ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ.

۲. أَو لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أُنَازُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

است و جهانگرد کسی است که زیاد سفر می‌کند (محلّاتی، ۱۳۸۸، ص ۵۱). واژه گردشگری<sup>۱</sup> از واژه «tour» به معنای گشتن، گرفته شده که از واژه لایتین «turns» به معنای دور زدن، رفت و برگشت بین مبدأ و مقصد چرخش دارد (Oxford Dictionary, 1970, P189)، به نقل از: متانت و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۳۱۲). گفته شده که توریسم در واقع واژه‌ای فرانسوی است به معنای مسافت و طی مسافت به جایی دور از محل دائم زندگی و رفتن به جایی برای سرور و لذت بردن به کار رفته است (همان، ص ۵۳). آنچه در معنای واژه توریسم نهفته است، بار بیشتر معنای «لذت بردن و تفنن» است، چنان‌که راثول بلانشار می‌گوید: «توریسم یعنی مسافرت به منظور بهره‌برداری از مناظر زیبای کشور یا ناحیه‌ای که مورد بازدید قرار می‌گیرد» (محلّاتی، ۱۳۸۸، ص ۳).

در فرهنگ لانگمن گردشگری به معنای مسافرت برای تفریح (لذت یا رضایت) آمده است (Larousse Dictionary, 1991, p304). در یک چشم‌انداز کلی، گردشگری مجموع پدیده‌ها و ارتباطات ناشی از کنش متقابل میان گردشگران، دولت‌ها و جامعه‌های میزبان، دانشگاه‌ها، در فرایند جذب، حمل و نقل، پذیرایی و کنترل گردشگران و دیگران بازدیدکنندگان است (سقای و پاپلی، ۱۳۸۵، ص ۱۲). سازمان جهانی گردشگری (WTO) موضوع گردشگری را بدین صورت تعریف کرده است: «فعالیت‌های افرادی که برای استراحت و کار و دلایل دیگر به خارج از محیط سکونت معمول خویش سفر کرده، حداکثر یک سال متوالی در آنجا اقامت می‌کنند» (متانت، ۱۳۹۱، ص ۳۱۲). جهانگردی در دنیای قدیم تنها به تجارت و زیارت و سفرهای قلندران و درویشان و جاسوسان و مسافرت‌های استثنائی ماجراجویان و طالبان علم اختصاص داشته است، اما امروزه یکی از فعالیت‌های مهم مؤثر اقتصادی و یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی و مسئله‌ای مهم و جهانی چشمگیر و شایسته بررسی است (الوانی و دشتی، ۱۳۷۳، ص ۱۸).

از سوی دیگر، گردشگری دینی سفری زیارتی مسافرت به سوی مکانی مقدس است. در زبان لاتین (peregrines) به معنای خارجی و به مفهوم کسی است که مسافرت می‌کند یا مسافتی را می‌پیماید و می‌خواهد از جایگاهی مقدس دیدار کند. این دیدار، با حفظ تمام ویژگی‌های وصف‌ناپذیر خود در نظامی پیچیده از رمزها، آیین‌ها و رفتارها سازمان می‌یابد. چارچوب آن اساساً مکانی مقدس با تصاویری از مقدسان و گروه‌های زائران به این مکان‌هاست. بنابراین، زیارت با هدف دیدار از مکان مقدس انجام می‌شود و تجلی یک شیء یا آرامگاه یک قدیس یا شخصیتی مورد احترام و یا یک نقش و اثر است. به دیگر سخن، گردشگری مذهبی عبارت است از: دیدار گردشگران از مکان‌های مقدس مانند امامزاده‌ها، بناهای یادبود مذهبی و حتی آثار و اشیاء فرهنگی

1. tourism

و طبیعی و زیستی که برای مردم بومی تقدس خاصی دارد و غیر بومیان را نیز به دلایل گوناگون مذهبی و ارزشی به سوی خود می‌کشاند. پس گردشگری دینی عبارت است از: مسافرت افراد از محل سکونت خود به مکان‌های مقدس، زیارتگاه‌ها و دیگر مکان‌هایی که جاذبه‌های دینی دارند، به قصد کسب اطلاعات دینی بیشتر برای ارضای نیازهای فطری و مذهبی گردشگران. در نتیجه زیارتگاه‌ها مصرف فرآورده‌های معنوی هستند و سفرهای زیارتی با موضوع‌های معنوی چون کشف، مواجهه، یک مذهب یا عمل معنوی، مراقبه، برخوردهای جهانی و گفتگو با اندیشه‌های مؤمنانه انجام می‌شود.

در زیارت نوعی «میل» و «رغبت» نهفته است. راغب اصفهانی، در مفردات، زیارت را به معنای «قصد و ملاقات کردن» دانسته است. در معنای اصطلاحی، هرگونه دیدار و ملاقاتی زیارت اطلاق نمی‌شود، بلکه زیارت با اشخاص و دیدار از اماکنی است که از نظر زیارت‌کنندگان دارای احترام، شرافت، برتری و خارق‌العادگی باشد (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۰، ص ۵۹) و همین‌طور بر میل و حرکت حسی، قلب و هم‌گرایی جدی پیدا کرده و به زیارت‌شونده احساس اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی داشته باشد (یوسفی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۵). در نتیجه، پدیده زیارت را می‌توان به لحاظ ماهیت امری دینی، معنوی و عرفانی تلقی کرد که از حیث بیرونی معطوف به مکانی مقدس است و از جنبه درونی برای حصول اهداف معنوی انجام می‌پذیرد (باربر، به نقل از: یوسفی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۵).

از چشم‌انداز جامعه‌شناختی، بخش زیادی از کارکردهای دین از جمله انسجام‌بخشی، التیام‌بخشی و آرامش روحی و معنوی از طریق مناسک (زیارت) حاصل می‌شود (همیلتون، ۱۳۸۷). کسی که مناسک دینی را انجام می‌دهد به «یقین» بیشتری دست پیدا می‌کند و از این طریق به آرامش می‌رسد. بخش زیادی از تجربه‌های دشوار زندگی همچون ناملايمات و مرگ از طریق شرکت در مناسک دینی پذیرفته می‌شود (وبر، به نقل از یوسفی، ۱۳۹۱). در جوامع شیعی، زیارت اهل قبور و اماکن مقدس تأثیر ژرفی بر التیام‌بخشی و تخلیه عاطفی زائران دارد و «حاجتمندی» هسته اصلی اعمال زیارتی جوامع شیعی به‌شمار می‌رود. زیارت به عاملی هویت‌ساز و مثابه سرمایه فردی و معنوی نیز تبدیل شده است. زیارت امام رضا (علیه السلام) برای شیعیان امری هویت‌ساز است.

## رویکردهای مختلف به گردشگری دینی

### الف) گردشگری به مثابه امری اجتماعی

از چشم‌انداز جامعه‌شناختی و دست‌کم در جامعه ما، گردشگری دینی به مثابه یک واقعیت اجتماعی<sup>۱</sup> در همه ابعاد و سطوح حضور دارد و از این لحاظ فرهنگ زیارت به‌عنوان یک کالای معنوی از طریق ایجاد حالات روحی، اجرای مراسم مذهبی معنوی و عبادات فردی و جمعی دیده می‌شود و یکی از مجاری مهم «اشاعه فرهنگی» در قالب‌های فکری، زبانی و رفتاری و سبک‌های زندگی جمعی از نسلی به نسلی دیگر شده است.

از دیدگاه برخی جامعه‌شناسان، امور مقدس مربوط به تجربه انسانی و سازوکارهای اجتماعی است. چنان‌که امیل دورکیم، تقدس را نه صفت ذاتی اشیاء، بلکه صفتی می‌داند که از طرف افراد به اشیاء داده می‌شود. امور و اشیائی که در ادیان مورد پرستش قرار می‌گیرند، ربطی به خصلت ذاتی آنها ندارد. به نظر دورکیم اعتقادات دینی شناخته شده، چه ساده و چه پیچیده خصوصیتی یکسان را ارائه می‌دهند. آنها یک گروه‌بندی از کلیه چیزها را، اعم از عینی و ذهنی، از آنچه انسان‌ها تصور می‌کنند و در دو دسته و دو گونه متضاد مشخص شده و به‌طور کلی در دو معنای متفاوت که به طرز رسایی با دو واژه مقدس و نامقدس بیان می‌شوند، مسلم می‌دانند. این تقسیم‌بندی به دو قلمرو آنچه مقدس و آنچه نامقدس اختصاص یافته و صفت مشخصه تفکر دینی است (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۴۷). دورکیم دربارهٔ امور مقدس و نامقدس معتقد است مقدسات آنهایی هستند که ممنوعیت آنها را حفظ و مجزا می‌کنند. چیزهای نامقدس آنهایی هستند که ممنوعیت بر آنها اعمال می‌شود و با مقدسات فاصله می‌گیرند. اعتقادات دینی نمودهایی است که ماهیت چیزهای مقدس را بیان می‌کنند و روابطی را که آنها، چه با یکدیگر و چه با امور ناپاک دارند، تقویت می‌کنند. اعمال مذهبی (مناسک) مقرراتی هستند که چگونگی رفتار انسان را در برابر چیزهای مقدس معین می‌کنند (همان، ص ۵۳). دورکیم از «آیین‌های مثبت و منفی» نام می‌برد. به نظر وی، حالت‌های مناسک در دو گروه مثبت و منفی جای می‌گیرند. در واقع، هر آیینی جنبه دوگانه را ارائه می‌دهد، یک جنبه منفی و یک جنبه مثبت. وی بیان می‌کند که دو نوع آیینی را که ما نام‌گذاری می‌کنیم، به این شکل به‌طور تنگاتنگ با هم مرتبط می‌شوند؛ هدف مجموعه‌ای از مراسم، تحقق تمایز بین مقدس و پلید است و وظیفه آنها جلوگیری از آمیزش و تقارن آنهاست. آیین منفی به نظامی که توسط این مراسم خاص تشکیل می‌گردد، اطلاق می‌شود. آنها مؤمن را از انجام برخی امور منع می‌کنند، این آیین‌ها شرط ورود به آیین پرستش مثبت هستند. مؤمن از طریق آیین منفی، خود را پاک و منزّه می‌کند و از اشیاء پیش افتاده و مبتذل که موجب بی‌ارزش شدنش گردیده جدا می‌سازد

1. social fact



و آماده انجام آیین مثبت می‌شود. آیین مثبت، نظام ویژه اعمال مذهبی است، مانند پرستش، قربانی کردن و غیره. بر این اساس، برابر دیدگاه دورکیم، زیارت جزء آیین‌های مثبت به‌شمار می‌آید.

پیتر برگر و توماس لاکمن (۱۳۷۵) در چارچوب جامعه‌شناختی دین، مقوله زیارت را تا حدودی همانند دورکیم تحلیل کرده‌اند. در اینجا واقعیت اجتماعی زیارت، مطابق نظریه «برساخت اجتماعی»<sup>۱</sup> تبیین شده است. به این بیان که آنچه انسان را برمی‌سازد، کلیتی از دارایی‌های ذهنی است که روندهای اجتماعی و تمدنی بشر را می‌سازد و تمدن برآیند جامعه است. برگر این نظر را از این زاویه بسط می‌دهد که چگونه انسان برای خود مآمن و پناهگاهی از معنا می‌سازد. در اینجا دین به مثابه نظامی مقدس ساخته می‌شود که به نوموس<sup>۲</sup> اجتماعی، ثبات و مشروعیت می‌بخشد، ثبات و مشروعیتی که مأخوذ از منابعی قدرتمندتر از تلاش‌های خود آدمیان است (کرمی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲). این واقعیت (و اینجا زیارت) در سطح عینی به واسطه تکرار کنش‌های افراد و برآیند حاصل از آن به‌صورت نهاد درآمده و ویژگی‌های آن را کسب کرده است. از سوی دیگر، لازم است نظم نهادی‌شده زیارت برای افراد توجیه و پذیرفتنی شود و این امر مستلزم جهان‌نمادی (عقیدتی) است. فرایند توجیه‌گری، حفاظتی از تعبیرات شناختی و هنجاری را بر روی واقعیت می‌کشد تا آن را پذیرفتنی کند. اما واقعیت در بعد ذهنی-شناختی با درونی‌سازی نه تنها نقش‌ها و گرایش‌های فکری و رفتاری دیگران را می‌گیرد، بلکه دنیای آنان را نیز در همین جریان می‌پذیرد و هنگامی که دیگری تعمیم یابد، رابطه نسبتاً متقارنی میان واقعیت عینی و ذهنی برقرار می‌شود. عینیت دنیای نهادی، هر قدر هم که در نظر فرد سنگین جلوه کند، عینیتی است ساخته و پرداخته انسان. روندی که به وسیله آن فرآورده‌های برونی شده فعالیت انسان رنگ عینیت به خود می‌گیرند روند عینی‌سازی<sup>۳</sup> است (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵، ص ۹۰). بعد عینی زیارت مشتمل بر «نهادمندی»<sup>۴</sup> و توجیه‌مندی<sup>۵</sup> زیارت و بعد ذهنی آن متضمن «درونی‌سازی» معنای زیارت از طریق فرایندهای یادگیری و پرورش اجتماعی است. مطابق رابطه دوسویه واقعیت و شناسایی پیتر برگر، بعد عینی زیارت به‌عنوان واقعیتی دینی دارای دو وجه نهادی و توجیهی است. نهادمندی زیارت حاصل انجام مکرر عمل زیارت در چارچوب آداب و احکام شرعی آن است. نظام نمادی و توجیهی زیارت اغلب شامل مجموعه احادیث و روایاتی است که درباره فضیلت و ثواب آن در کتاب‌ها به تفصیل آمده است و عمدتاً از طرف مراجع شیعی مورد تأکید قرار گرفته است. تجربه ذهنی زیارت حاصل روند پرورش اجتماعی و درونی شدن معنای دینی زیارت است.

1. Social construction

2. nomos

3. Objectivation

4. institutionalization

5. plausibility

گرچه مضامین و محتویات خاصی که در پرورش اجتماعی اولیه به صورت درونی در می‌آیند، از جامعه‌ای تا جامعه دیگر متفاوت است (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵، ص ۱۸۵). به علاوه، مفاد دینی تجربه ناشی از جنبه شناختی آن است. کُنشگر، خود و جهان را در پرتو باورهای دینی می‌فهمد، بنابراین، پیش فرض‌ها و عقاید مذهبی بر کیفیت تجربه زیارت اثر می‌گذارد. تجربه دینی (اینجا زیارت) سه ویژگی اصلی دارد: نخست، متضمن آگاهی از امر متعالی است (گیسلر، به نقل از: یوسفی، ص ۱۹۰)؛ دوم اینکه، شخص مذهبی به امر متعالی به عنوان غیر خودش «آگاهی» دارد و سوم اینکه، احساسی از خضوع و خشوع در برابر امر متعالی تجربه می‌کند (اتو، ۱۳۸۰).

### ب) گردشگری به مثابه امر قدسی

رودلف اتو در کتاب مفهوم امر قدسی ذیل صورت‌های متنوع تجربه دینی اغلب به ویژگی‌های غیرعقلانی آن معطوف ساخته است. او خدا را بالاتر از عقل و خارج از توان توصیف می‌داند، موجودی درک‌ناپذیر و تعریف‌ناپذیر که هرگونه تعریف از او رنگ و روی بشری دارد و با محدودیت‌های بشری آمیخته است. اتو معتقد است که خدا را با عقل بشری نمی‌توان شناخت و عقل بشر ناتوان از درک خداست (اتو، ۱۳۸۰). او تلاش می‌کند ویژگی این تجربه خوف‌انگیز را کشف کند. از دیدگاه او این احساس، خوف و خشیت را در برابر امر قدسی و در مقابل راز مهیب و پر جلالی می‌یابد که مبدأ ظهور و سریان سیطره نیروی عظیم است. او خوف دینی را در برابر سرّ مجذوب‌کننده و خشوع‌انگیزی می‌یابد که در آن کمال مطلق وجود سریان دارد. اتواز چنین تجربه‌هایی با نام نیروی قدسی یاد می‌کند؛ زیرا این تجربیات از راه انکشاف جنبه‌ای از نیروی الهی حاصل می‌شوند. نیروی قدسی خود را به مثابه موجودی «به کلی دیگر» به نمایش می‌گذارد. موجودی به کلی متفاوت که هیچ شباهتی با امور انسانی و کیهانی ندارد. انسان در مواجهه با آن، عمیقاً احساس نیستی می‌کند و احساس می‌کند که تنها موجودی ضعیف و ناتوان است، مانند بیانی که ابراهیم خطاب به پروردگار جهان به زبان می‌آورد: «اینک من که خاک و خاکستر هستم» (الیاده، ۱۳۸۸، ص ۴).

در بعد عینی در سطح نظری گرچه می‌توان به نظریه‌های متفاوتی اشاره کرد، اما از دیدگاه فرهنگی و نیز نحوه برخورد میزبان و زائر سه دیدگاه کلی را می‌توان از هم تفکیک کرد. «یک، دیدگاه تعاملی، که برخورد و مواجهه گردشگر و میزبان را به صورت پدیده قابل شناسایی با در نظر گرفتن پیامدهای مثبت و منفی در نظر می‌گیرد. دوم، دیدگاه گسستی، که از زاویه کارکردگرایی به موضوع نگرسته و ناهنجاری‌ها را نتیجه مواجهه گردشگران می‌داند. سوم، دیدگاه پیوستی، که عمدتاً جنبه‌های تغییر فرهنگی مثبت را در نظر دارد و تغییرات ناشی از ورود گردشگران

در بازنگری مهارت‌ها و رعایت بهداشت و انسجام اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۹، ص ۸۷).

در تحلیل فرهنگی گردشگری دینی، شناخت فرهنگ معنوی زیارت همچنین شناخت محصولات سنتی و روش‌های تولید زبان و گویش‌های محلی، فضاها و مکان‌های تاریخی و مناظر طبیعی و نشانه‌ها و نمادها و آیین‌ها همه به‌طور کلی به مثابه نشانه‌های حک شده در واقعیت اجتماعی محسوب می‌شود و محقق از گذر چنین نشانه‌هایی می‌تواند رفتارها و شناخت‌های فرهنگی را تحلیل کند.

گردشگری، تعاملی دوسویه، میان میزبان و میهمان پدید می‌آورد که نتیجه آن تغییر و تحول در کیفیت و سطح زندگی، الگوهای فرهنگی و نظام‌های ارزشی و شناختی، ساخت‌های زبانی، نوع دین‌داری و روابط خانوادگی و طرز نگرش‌ها و آداب و سنن جامعه به‌طور کلی است.

#### ج) گردشگری دینی به مثابه امر معنوی

جنبه بیرونی گردشگری دینی همان جنبه‌های جسمانی و ظاهری سفری است که اتفاق می‌افتاد. جانسن<sup>۱</sup> زیارت را نوعی «احساس وفاداری» می‌داند و ویکتور ترنر<sup>۲</sup> آن را «پدیده‌ای آستانه‌ای»<sup>۳</sup> معرفی می‌کند که نقطه مرکزی آن، مکان زیارت است. در اینجا، فرد به بعد فضایی زیارت توجه می‌کند. آلن مورینس<sup>۴</sup> بر این نظر است که زیارت تولد آرزوها و اعتقادات است، آرزوها راه‌حلی از میان انواع راه‌حل‌های انسان برای حل مشکلات و اعتقادات و عقیده به قدرت ماورایی برای حل و درمان مشکلات حل نشدنی و درمان‌ناپذیر هستند. زیارت، مظهر امر آرمانی و متعالی است. مورینس این چنین ادامه می‌دهد: مراکز زیارتی به این خاطر چنان عام و گسترده مورد حمایت قرار گرفته‌اند که مخازنی هستند برای آرمان‌های یک فرهنگ. قیومیت سیاسی در این مکان‌ها مشترک بوده است... مکان‌های زیارتی مشهور اغلب آثار مقدس محترم‌ترین قدیسان را در خود جای داده‌اند و یا محل معتبرترین ظهورات الهی هستند. این مراکز با والاترین تجلیات هنر و معماری دینی در یک فرهنگ تجلیل می‌شوند. نتیجه اینکه زیارتگاه به آرمانی که در خود جای داده است، تجسم می‌بخشد. این پیام که این مکان قدس‌الاقداص است به شدت در هنر، معماری، موسیقی، نمایش و هر آنچه که مرکز را آراسته است، برای زائر تقویت می‌شود. در واقع، وقتی که «مغناطیس روحانی» مکان پدید آمد... می‌تواند چنان قدرتمند شود که مرزهای گروهی یا فرهنگی را مستحیل سازد و زائرانی با وابستگی‌های اعتقادی متفاوتی را به خود جلب می‌کند، که به

1. Jansen

2. Victor Turner

3. Liminal phenomenon

4. Morinis

علت شهرت قدرتی که این مکان به واسطهٔ بازنمایی‌های مادی منعکس متجلی می‌کند به آنجا می‌آیند (مورینس به نقل از: بوی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۲).

در واقع، جهانگردی زیارتی عامل آرامش و نشاط معنوی انسان است. «سفر زیارتی، رفتن به سوی مکانی مقدس است. دیویس<sup>۱</sup> به زیارت به مثابه پدیده‌ای روحانی نگریسته است و امروزه در پدیده زیارت به مضامینی مانند «تمرین روحی» و آرامش اشاره می‌کنند. دیدار و ملاقات با حفظ همه ویژگی‌های وصف‌ناپذیر معنوی و روحانی، در ابعاد پیچیده‌ای از رمزها، آیین‌ها و رفتارها سازمان می‌یابد. توصیف این حالت‌ها همیشه امری ساده نیست. بازدیدکنندگان رُم ممکن است خودشان را به‌عنوان «گردشگران روحانی» وصف کنند که به منزلهٔ بخشی از یک تور فرهنگی به داخل کلیسای عجیب می‌روند و به تحسین نقاشی‌های دیواری آن می‌پردازند. اینکه ایشان خود را زائر بنامند یا نه بستگی به این دارد که در هر لحظه کجا هستند و نگرش‌شان به محل چگونه است. مورینس به این نکته اشاره می‌کند که راه آسان‌تر تمایز میان زائران و مسافران یا گردشگران با این واقعیت می‌تواند صورت بگیرد که در بیشتر فرهنگ‌ها زائران گرایش دارند که خود را زائر بنامند. گاهی ممکن است همراهی و تمایز میان این دو کمتر از حالات درونی شخص اهمیت داشته باشد، اگرچه در موارد دیگر، معرفی رسمی یک رویداد به‌عنوان زیارت چیزی است که این واقعه را برای شرکت‌کنندگان تبدیل به یک زیارت می‌کند.

زیارت را در قالب سفری جسمانی به مکان‌های جغرافیایی در نظر می‌گیرند، اما این واژه در بسیاری از زبان‌ها و فرهنگ‌ها به معنایی بسیار گسترده‌تر به‌کار می‌رود (بوی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۴). این سفر ممکن است سفری استعاری، درونی و روحانی باشد که متضمن حرکتی جسمانی نیست. هدف زیارت ممکن است به دقت برنامه‌ریزی شده باشد، یا اینکه زائران به منزله افرادی سرگردان و با هدایت بخت یا دستان خداوند و بدون مقصدی مشخص رهسپار سفر شوند. در سنت ایرلندی و اسکاتلندی در اوایل قرون وسطی، آرمان «بیابان» امری رایج بود. این مفهوم از مرتاضان گوشه‌نشین قرون اولیهٔ مسیحیت که به نام پدران بیابان<sup>۲</sup> شناخته می‌شدند، گرفته شده بود. شرح حال قدیسان اغلب چگونگی ترک خانه و خویشاوندان توسط مردان و زنان مقدس را شرح می‌دهد که به منزله عملی دال بر توبه و زهد انجام می‌شود. ممکن بود در سرزمین‌های خارجی به تبلیغ دینی پردازند و تا ابد از خویشان‌شان جدا شوند و جلای وطن کنند.

مورینس بر اهمیت ایدئولوژی در تعریف زیارت تأکید دارد. هدف باید در برگرنده آرمان‌های ارزشی باشد. این تعریف چنان وسیع است که دیدار از ساختمان باشگاه مورد علاقه برای یک

1. J.G.Davis

2. Desert Fathers

هوادار فوتبال می‌تواند به مثابه یک زیارت تلقی شود. شاید به جهت درهم تنیدگی امر دینی و دنیوی در این پدیده است. گریس دیوی<sup>۱</sup> به این موضوع بدین صورت پرداخته که چطور در آنفیلد، که زمین باشگاه لیورپول در انگلستان است، این دو به هم ترکیب شده است. در سال ۱۹۸۹ واقعه‌ای در استادیوم هیلسبور در شهر شفیلد انگلستان روی داد که طی آن ۹۴ تن از هواداران لیورپول که در حال تماشای این بازی بودند، زیر دست و پای جمعیت جان دادند. متعاقب این واقعه، زمین خانگی آنفیلد تبدیل به مرکزی برای زیارت شد که ضمن آن رهبران دینی نقش مهمی در ابراز و جهت‌دهی اندوه مردم برعهده داشتند (همان، ص ۳۳۴).

از این نظر چندان بی‌وجه نیست که صاحب‌نظران گردشگری را در سه شکل تحلیل کرده‌اند:

۱. گردشگری به‌عنوان زیارت که مردم به‌صورت فردی و گروهی برای دیدن مکان‌های مقدس می‌روند؛
۲. گردشگری به‌عنوان اجتماعات بزرگی که در روزهای مذهبی خاص یا سال‌روزها برگزار می‌شود؛
۳. گردشگری به‌عنوان یک گردش و به منظور دیدن مکان‌ها و ساختمان‌های مذهبی در چارچوب گردشگری. با این حال، زمان سفر در این شکل از گردشگری دینی شاید چندان اهمیت نداشته باشد. فارغ از اهداف شخصی فرد و اینکه آیا او یک گردشگر دینی است و یا صرفاً گردشگری است که به دین نیز اعتقاد دارد، رفتار شخص بیشتر تحت تأثیر موقعیت خانوادگی و موطن اوست. به‌طور کلی تغییر در نحوه زندگی گردشگران که شامل گردشگران دینی نیز می‌شود، رقابت طبقات اجتماعی و توالی سبک‌های زندگی در یک شخص همگام هستند، البته عوامل خارجی چون هزینه و نوع حمل و نقل و دسترسی به مناطق و کشورهای دیگر و وضعیت اقتصادی نیز در این تغییرات مؤثرند (تیموتی و اولسون، ۲۰۰۶).

از زاویه دیگری نیز می‌توان به این دسته‌بندی نگاه کرد و آن در جایی است که چارچوب زیارت می‌تواند در قالب گونه‌های زیارتی «مکان» مقدس، «شخص» مقدس، «شیء» مقدس، «متن» مقدس، و زیارت به‌عنوان «سفری کنایی» در نظر گرفته شوند. اما آنچه که در سفرهای زیارتی حضور دارد، مکانی مقدس با تصاویری از پاکان و گروه‌های زائران و راهبان وابسته به این مکان است. بنابراین، در درون سفرهای زیارتی، هدف بازدید از مکانی مقدس نهفته است. مکان‌های مقدس اغلب در یک ساختار مادی و کالبدی به‌عنوان دخمه مقدس<sup>۳</sup> در اورشلیم، مکه در عربستان، رودخانه گنگ در هندوستان، فاتیما<sup>۴</sup> در پرتغال، ناک<sup>۵</sup> در ایرلند، مجوگوریا<sup>۶</sup> در بوسنی و

1. Grace Davie

3. Holy Sepulchre

5. Knock

2. Timothy &amp; Olson

4. Fatima

6. Medjugorie

هرزگوین، گوادالوپ<sup>۱</sup> در مکزیک جزء مکان‌های بسیاری هستند که مریم مقدس در آنجا بر یک نفر یا بیشتر تجلی کرده است. همین مکان‌ها و ارزش‌های معنوی و ماورای طبیعی است که در میان کشورها از غرب تا شرق را به‌عنوان انگیزه‌های معنوی در قالب تورهای گردشگری و به‌عنوان زیرساخت‌های جهانگردی زیارتی پیوند داده است. در همین سفرهای زیارتی است که فرصت مواجهه و تعامل مردم با یکدیگر و تماس میان اندیشمندان و همه جریان‌های فرهنگی و معنوی فراهم می‌شود. سفرهای زیارتی و زیارت مکان‌های مقدس، نمادی از خیر و برکت آفریدگار تلقی می‌شود و در سایه همین مبادلات زبانی و فرهنگی زمینه‌های معنوی و ارزشی بیشتر فراهم می‌شود. نکته مهم در معنای عبادی زیارت ربط آن با خالق است و این امر آن را از اعمالی که با مخلوق رابطه دارد جدا می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۵۸). به همین جهت است که در متون شیعی، «قصد تقرب به خدا» و اطاعت امر او، جزء اصلی هر عمل عبادی، از جمله زیارت، را تشکیل می‌دهد. در این معنا، می‌توان برای عمل زیارت وجه ظاهری و باطنی قائل شد؛ وجه ظاهری آن رعایت آداب و مناسک زیارت است که بر وفق قواعد دینی معینی انجام می‌شود و وجه باطنی آن عقیده زائر به خارق‌العادگی زیارت‌شونده است که او را به سمت عبودیت و با واسطه یا توسل به زیارت‌شونده می‌کشاند.

#### د) گردشگری به مثابه امری فرهنگی

انسان در قالب سفر و زیارت، با فضاها، معنوی، زبانی، محیطی و اجتماعی-فرهنگی آشنا می‌شود. گردشگری دینی به‌عنوان یک امر فرهنگی در دو سوی جریان گردشگری در یک فضا، موقعیت و محیط و تبادلات فرهنگی را سبب می‌شود. این تبادل و تعامل با انسان‌ها، انگیزه‌ها، خواسته‌ها، نیازها و آرزوهای آنها که منبعث از فرهنگ جامعه است، در ارتباط خواهد بود. توسعه گردشگری دینی زمینه فهم متقابل را برای میهمان و میزبان فراهم می‌کند و زمینه‌های انسجام و همگرایی و رفتارهای قاعده‌مند را تقویت می‌کند. گردشگری دینی نوعی پدیده فرهنگی است که به واسطه سازگاری با موقعیت‌های اجتماعی و کنش متقابل با دیگران تداوم می‌یابد و پیوسته باز تفسیر می‌شود.

گردشگری، الگوها و قالب‌های غیرواقعی و ذهنیت‌های کلیشه‌ای را تغییر می‌دهد و زمینه‌های آشنایی بهتر را با ایجاد تعاملات مستقیم و واقعیات درونی یک جامعه را عیان می‌کند. بی‌تردید شناخت بیشتر افراد یک کشور یا کشورهای مختلف از یکدیگر، تأثیر مطلوبی در استحکام روابط سیاسی، فرهنگی، اجتماع و اقتصادی دولت‌های آنان دارد و از طرفی تضادهای فرهنگی میان

1. Guadalupe

جامعه میزبان و مهمان را کاهش می‌دهد و با بالا بردن ظرفیت تحمل انسان‌های با فرهنگ‌های متفاوت، تعصب فرهنگی و ذهنیت قوم‌مدارانه را تبدیل به «نسبی‌گرایی فرهنگی»<sup>۱</sup> می‌کند. ورود گردشگران در جامعه میزبان زمینه تفاهم، شناخت و درک متقابل در رابطه با آداب و برداشت‌های ذهنی و زندگی روزمره و سبک زندگی را آسان‌تر می‌کند و به گردشگران می‌آموزد که وجوه تمایز و اختلاف و تفاوت‌های میان «خود» و «دیگران» را به‌عنوان ارزش وجودی بشناسند. پیش‌فرض معرفتی گردشگری این است که فرهنگ را نمی‌توان بدون مواجهه و «بودن در میدان» شناخت. انسان‌ها نمایندگان فرهنگ‌های گوناگون‌اند و تماس و مواجهه این نمایندگان، تماس رو در روی فرهنگ‌هاست. با این نگرش می‌توان گفت که مسافرت صرفاً به معنای «دیدن» نیست، بلکه «تجربه کردن» است.

امروزه فعالیت‌های اقتصادی و شغلی حرفه‌ای، کشورها را مستقل‌تر کرده است. خاستگاه‌های اقتصادی و زندگی مصرفی در داخل یک کشور، به ضرورت قشرهای متفاوت فرهنگی جدا از هم پدید می‌آورد، گسست‌های نسلی و سطح درآمدهای متفاوت شکاف‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد و در ساختار سیاسی و مدیریتی انعکاس پیدا می‌کند و مانع پیشرفت همه‌جانبه در جامعه می‌شود. برای جلوگیری از چنین فرسایشی، هیچ ابزاری کارآمدتر از تماس‌های رو در رو نخواهد بود. نقاط دوردست باید آمادگی لازم را برای پذیرش فرودست داشته باشند و زمینه همدلی و عاطفی مشترک را برقرار کنند. ارزش‌های فرهنگی هر کشور از طریق تماس‌های مستقیم تزیق می‌شود و گردشگری با ایجاد شناخت متقابل، تهدید کثرت فرهنگ‌های متفاوت را به طرف وحدت و انسجام ملی سوق می‌دهد. گردشگری دینی داخلی به‌عنوان عاملی در تکثر و ایجاد ارتباط فرهنگی و قومی در سطح ملی فراهم می‌شود.

دیدن فرهنگ‌ها و مناسک داخلی و ملی خود و مکان‌های این فرهنگ که انباشتی از میراث تاریخی است، در ذهنیت گردشگر احساس خفته وطن‌دوستی و دینی را بیدار می‌کند که در حالت مثبت آن وحدت و انسجام قومی و فرهنگی را ایجاد می‌کند.

به‌طور کلی، توسعه گردشگری در قالب ارزش‌های دینی و فرهنگی، حفظ میراث فرهنگی جامعه میزبان را به دنبال دارد. هنرهای قومی و الگوهای فرهنگی موسیقی، نمایش، مدهای لباس، مراسم، سبک زندگی، رفتارها و برخوردها، نهادها، نمادها و سنت‌ها، فعالیت‌های اقتصادی سنتی و سبک معماری فرهنگ از نو زنده و بازسازی می‌کنند تا از این طریق در قدرت بخشیدن به هویت فرهنگی اجتماع کارساز باشند. در واقع، گردشگری می‌تواند نگهدارنده و احیاکننده فرهنگ سنتی باشد.

1. cultural relativism

فرهنگ امری یکه و تنها و ایستا نیست، جلوه‌ای از حیات جامعه است و حیات اجتماعی در ارتباط انسان‌ها نهفته است. ارتباط انسان‌ها هر چقدر گسترده‌تر باشد، فرصت آفرینش و ژرفای فرهنگ بیشتر می‌شود. برخورد انسان‌ها با یکدیگر زمینه آفرینش فرهنگ را آماده می‌کند. ماندگاری و استواری یک فرهنگ در برخورد با فرهنگ‌های دیگر مشخص می‌شود. هر فرهنگی در برخورد با دیگر فرهنگ‌ها توانایی خود را به محک می‌زند. بدین ترتیب گردشگری، فرهنگ انسان‌ها را از بُعد مادی و معنوی توسعه می‌دهد، موجب شکوفایی آنها، مدرنیزه کردن و ارتقای سطح ماندگاری و سلامت آن می‌شود.

### چارچوب مفهومی گردشگری در نگاه اسلامی

با توجه به مطالب پیش‌گفته می‌توان کارکردهای گردشگری را (دست‌کم در بُعد داخلی و درون فرهنگی) در سه مقوله جداگانه از هم تفکیک کرد: ۱. جنبه دینی و قدسی (خداخواهی)؛ ۲. جنبه‌های اجتماعی و کاربست‌های انسانی و جمعی (دگرخواهی)؛ ۳. جنبه‌های معنوی و فردی (خودیابی).

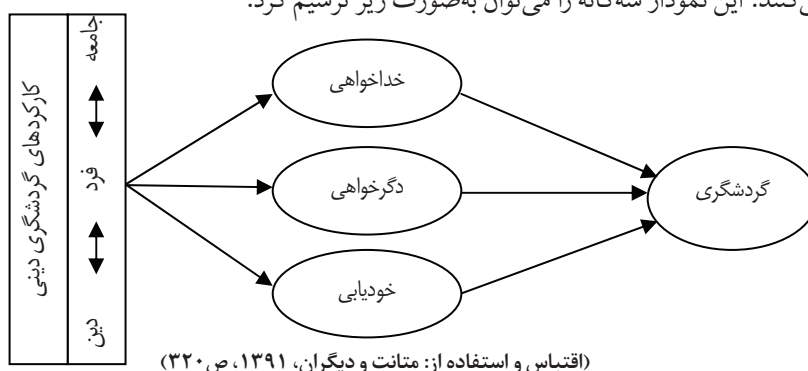
مطابق بررسی‌های انجام شده پیمایشی زائران «انگیزه خداخواهی» و پرستش را نخستین متغیر در گردشگری می‌دانند (متانت و دیگران). آنها خداوند را غایت آمال خود دانسته و زیارت را روزنه‌ای برای برقراری ارتباط واقعی با خداوند و ابراز و اثبات عشق و تأثیرگذاری آن نسبت به مسائل دنیوی و مادی به مراتب بیشتر دانسته‌اند. بروز و ظهور زیارت در جامعه ایران در نمونه‌هایی مانند حج مبتنی بر این معنا از زیارت است. زیارت در اینجا سیر و سلوک دینی است که «جهان طبیعت را به عالم بالا و رهرو را به جماعت مؤمنان پیوند می‌دهد و رابطه رهرو و رهبر را پایدار می‌سازد. زائر با نزدیک ساختن خود به جایگاه محبوب، با او تجدید پیمان می‌کند» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۳۹۷ به نقل از: متانت و دیگران، ۱۳۹۲). زائران بیشتر دستورات قرآنی و دینی را مورد توجه قرار می‌دهند.

در بعد دوم (دگرخواهی)، زائران در عمل اجتماعی خود زمینه تبادل اطلاعات و پیوندهای زبانی و فرهنگی را با سایر کنشگران فراهم می‌کنند. در این صورت تبادل و آمد و شد از راه سفر و زیارت عامل پیوستگی و انسجام و وحدت درون فرهنگی می‌شود. حتی مقولاتی همانند مهاجرت و وارد شدن به فرهنگ‌های دیگر می‌تواند زمینه تفاهم و همدلی را فراهم کند. در اینجا گردشگری پاسخی به نیاز فطری و جستجوگری و کشف اسرار زندگی گذشتگان و آشنایی با فرهنگ ملت‌های دیگر و گریز از یکنواختی و زندگی روزمره می‌شود.



گردشگر-زائر در اینجا افزون بر بُعد الهی-قدسی کار خود، با «دیگرانی» مواجه می‌شود که زمینه آگاهی و شناخت او را فراهم می‌کنند. او می‌داند که اگر ملتی قدرت تعامل منطقی با هویت‌های جدید را داشته باشد، در این صورت امکان رشد را برای خود و جامعه خود فراهم می‌کند. او می‌داند که در ارتباط متقابل با هویت‌های جدید و چالش‌های ناشی از آن، سازگاری و استحکام بیشتری پیدا می‌کند. در اینجا با نفوذ قوی خود می‌تواند کارکرد و ساختار گردشگری را توضیح دهد. در این مواجهه پیروان ادیان از همدیگر می‌آموزند و زمینه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را فراهم می‌کنند.

کارکرد سوم گردشگری، خودسازی است. امروزه گردشگری فرصتی است که زائر را به «عبرت‌گیری»، «درس‌آموزی»، «آرامش و امید» و «واری» «جنبه‌های انفسی» و «مراقبه و تفکر» نسبت به خود و میراث گذشته فرا می‌خواند. از این دیدگاه، گردشگری یک تجربه درون‌گرایانه است و فرد در پی این است که جان و روح خسته ناشی از زندگی روزمره را به لذتی ماورایی پیوند زند. گویه‌ها و گزاره‌های به‌کار رفته از زبان زائران، بیانگر این است که آنها احساس رهایی و آرامش می‌کنند. این نمودار سه‌گانه را می‌توان به‌صورت زیر ترسیم کرد:



### نتیجه‌گیری

امروزه گردشگری دینی یکی از موضوعات مهم در عرصه ساختی-اجتماعی و فرهنگی-معنوی است که تأثیر ژرفی بر مبادلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی و حتی سیاسی در یک جامعه دارد. گردشگری در قالب زیارت و سفر می‌تواند حس عبودیت و خداخواهی و تجربه دین را از طریق مناسک دینی ارتقا بخشد. این موضوع از طریق «آشنایی» و رابطه میزبان و مهمان به انسجام اجتماعی و آرامش و التیام‌بخشی و خودیابی کمک می‌کند. زمینه‌های «همگرایی» را از طریق تسهیل تکثر فرهنگی و تعدیل حس قومیت محوری مهیا می‌سازد. گردشگران-زائران از طریق مواجهه و رفتارهای فردی و اجتماعی خود زمینه‌های «زیست مسالمت‌آمیز» را از گذر آیین‌ها و فضاهای مقدس به دست می‌آورند و تجربه‌های زیسته خود را به اشتراک می‌گذارند.

## منابع

۱. اتو، رودلف (۱۳۸۰)، مفهوم امر قدسی؛ پژوهش درباره عامل غیرعقلانی مفهوم الوهیت و نسبت آن به عامل عقلانی، ترجمه همایون همتی، تهران: نقش جهان.
۲. الاصفهانی، راغب (۱۴۲۶ق)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: طلیعة النور.
۳. بوی، فیونا (۱۳۹۲)، مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی دین، ترجمه مهرداد عربستانی، ویراست دوم، تهران: نشر افکار.
۴. پیتر، برگر و توماس لاکمن (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، چ ۱، تهران: علمی فرهنگی.
۵. تقی‌زاده داوری، محمود (۱۳۸۰)، «نگاهی به جامعه‌شناسی زیارت»، معرفت، ش ۴۵، ص ۵۹-۶۱.
۶. دورکیم، امیل (۱۳۸۲)، صور بنیادی حیات دینی، ترجمه نادر سالارزاده، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. سقایی مهدی، محمدحسین پاپلی (۱۳۸۵)، گردشگری مفاهیم و ماهیت، تهران: سمت.
۸. کاظمی، مهدی (۱۳۸۶)، مدیریت گردشگری تهران، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۹. کرمی‌پور، الله کرم (۱۳۸۸)، «پیتر برگر و جامعه‌شناسی دین»، فصلنامه هفت آسمان، س ۱۱، ش ۴۲، ص ۱۴۳-۱۶۱.
۱۰. گیسلر، نورمن ال (۱۳۷۵)، فلسفه دین، ترجمه حمیدرضا آیت الهی، تهران: حکمت.
۱۱. متانت، زیبا و دیگران (۱۳۹۱)، گردشگری دینی و توسعه فرهنگ زیارت، مجموعه مقالات، ج ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۲. محلاتی، صلاح‌الدین (۱۳۸۸)، جستاری در هنگام فراغت؛ سفر و جهانگردی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. وبر، ماکس (۱۳۸۴)، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
۱۴. همیلتون، ملکم (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.
۱۵. الیاده، میرچا (۱۳۸۸)، دین‌پژوهی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چ ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۶. یوسفی، علی و دیگران (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مناسک دینی در ایران (چارچوب مفهومی و روش‌شناختی)، گروه مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان.

17. Timothy, D.J. Olson, D. H (2006), *Tourism, Religion and Spiritual Journeys*, London: Rotledge.

